



بازتاب مراکز آموزشی در سفرنامه ابن جبیر*

رقیه مظلوم

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: roghayehmazlom@yahoo.com

دکتر حمیدرضا ثنائی^۱

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hr.sanaei@um.ac.ir

چکیده

سفرنامه‌ها به جهت اشمال بر انبوهی از اطلاعات رنگارنگ و غالباً ارزشمند، جایگاه ممتازی در بررسی‌های تاریخی داشته و تاریخ‌نگاران همواره از آن‌ها به‌عنوان منابع دست اول در پژوهش‌های خویش بهره می‌برند. سفرنامه مشهور ابن جبیر (۵۴۰-۶۱۴ق/۱۱۴۵-۱۲۱۷م)، که سه سفر به مشرق داشت، شرح نخستین سفر اوست. او در این سفر افزون بر زیارت خانه خدا، در شهرهای میان اندلس تا حجاز حضور یافت و در راه بازگشت از عگّا، سیسیل و کارتاژ (قرطاجنه) نیز گذر کرد. ابن جبیر نیز همانند دیگر سفرنامه‌نویسان مسلمان به وضع علمی و آموزشی به‌ویژه وضع نهادهای آموزشی سرزمین‌هایی که بدان‌ها گام نهاده، توجه داشته و اطلاعات ارزشمندی در این زمینه ارائه کرده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد پس از ارائه‌ی اجمالی گزارش‌های ابن جبیر در این زمینه، زاویه نگاه او به نهادهای آموزشی و هرم توجه وی به آن‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، دور از ذهن نیست که توجه و علاقه ابن جبیر به شرح مفصل نهادهای آموزشی برخی از مناطق به‌ویژه شام و غفلت یا تغافل او از ذکر و شرح برخی از نهادها مانند مساجد جامع منسوب به فاطمیان، در اثر تمایلات مذهبی او بوده باشد. افزون بر آن، توصیف عناصر معماری ساختمان، مسائل مالی و رفاهی، نحوه تأمین هزینه و کمیت نهادهای آموزشی، تعلق آن‌ها به مذهبی خاص و برخی از شیوه‌های آموزشی خاص در این مراکز نیز از دیگر زوایای توجه ابن جبیر به نهادهای آموزشی بوده است.

کلیدواژه‌ها: رحله ابن جبیر، نهاد آموزشی، مسجد، مدرسه، بیمارستان

* تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷.

۱. نویسنده مسئول

Description of Educational Centers in Ibn Jubayr's Travelogue

Roqayyeh Mazloum

MA in the History and Civilization of Islam, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Hamid Reza Sanaei (Corresponding Author)

Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Travelogues have a special place in historical studies due to their wealth of valuable information, and historians at all times have employed travelogues as first-hand sources in their research. Ibn Jubayr's famous travelogue (۵۴۰-۶۱۴ AH/۱۱۴۵-۱۲۱۷), who made three visits to the East, is a description of his first travel. In addition to the pilgrimage to the Mecca, he toured cities in the territory between Andalusia and Hejaz and visited Acre, Sicily and Carthage on his way back. Ibn Jubayr, like other Muslim travel writers, had a keen eye for the scientific and educational situation, especially educational institutions in the lands he visited, and has provided invaluable and detailed information on this subject. Using a descriptive-analytical approach, this paper aims to analyze educational institutions through the spectacle of Jubayr after presenting a brief account of Ibn Jubayr's reports on this subject. Based on the findings of this study, it is not surprising that Ibn al- Jubayr's obsession with detailed depiction of educational institutions in some areas, especially Levant, has resulted in his neglect or negligence in elaborating on other institutions, such as the grand mosque attributed to Fatimids owing to his religious beliefs. In addition, a description of architectural elements, financial and welfare issues, financing strategies and the number of educational institutions, their religious affiliation as well as some specific educational practices in these centers are also other aspects of educational institutions examined by Ibn Jubayr.

Keywords: Ibn Jubayr's travelogue, Educational institutions, Mosque, School, Hospital

مقدمه

ابوالحسین محمد بن احمد بن جبیر کنانی، دبیر، ادیب، فقیه، محدث، شاعر و جهانگرد اندلسی و عرب تبار در سال ۵۳۹ق/۱۱۴۴م یا ۵۴۰ق/۱۱۴۵م در بکنسیه اندلس زاده شد.^۱ او روزگاری را در شاطبه به سر برد و به فراگیری ادب عربی و علوم دینی پرداخت. او بعدها به غرناطه رفت و به‌عنوان دبیر (کاتب) به خدمت حاکم موحدی آن شهر، ابوسعید عثمان بن عبدالمؤمن درآمد.^۲ اگرچه ابن جبیر سه بار راهی مشرق اسلامی شد، تنها حکایت نخستین سفرش به‌صورت یادداشت‌های روزانه نوشته شد. او در این سفر، افزون بر زیارت خانه خدا، در شهرهای میان اندلس تا حجاز از جمله اسکندریه، قاهره، مکه، مدینه، کوفه، بغداد، موصل، حلب و دمشق نیز حضور یافت و در راه بازگشت، از عکا، سیسیل (صقلیه) و کارتاژ (قرطاجنه) گذر کرد. این یادداشت‌ها پس از بازگشت او به غرناطه در سال ۵۸۱ق/۱۱۸۵م در قالب کتابی موسوم به رحله تدوین یافت.^۳ حدود دو سال بعد که از تصرف بیت المقدس به شمشیر صلاح‌الدین ایوبی خبر رسید (۵۸۳ق/۱۱۸۷م)، ابن جبیر سفر دوم خود را آغاز کرد. این سفر از ربیع‌الاول ۵۸۵ق تا شعبان ۵۸۷ق به طول انجامید. متأسفانه جزئیات این سفر معلوم نیست. سومین سفر او نیز پس از مرگ همسرش عاتکه ام‌المجد، دختر ابوجعفر ورقشی وزیر آغاز شد.^۴ متأسفانه آگاهی درباره آخرین سال‌های زندگی ابن جبیر بسیار اندک است. او سرانجام در ۲۹ شعبان ۶۱۴ق در اسکندریه مصر درگذشت و در «کوم عمرو بن العاص» به خاک سپرده شد.^۵

سفرنامه‌ها به جهت اشمال بر انبوهی از اطلاعات مختلف عینی و تجربی، همواره به عنوان منابع دست اول در تحقیقات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگرچه اعتبار و کیفیت اطلاعات سفرنامه‌ها یکسان نیست، معمولاً سفرنامه‌ها چنان اطلاعات ارزشمندی از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یک دوره یا منطقه در اختیار قرار می‌دهند که گاه دست‌یابی به آن‌ها از طریق سایر کتب تاریخی میسر نیست. رحله ابن جبیر نیز اطلاعات ارزشمندی درباره شگفتی‌های سرزمین‌ها، آثار هنری، اوضاع سیاسی، اجتماعی و وصف مساجد، مناسک حج، مجالس و عظم، معابد، دژها و بیمارستان‌ها دربردارد. او در

۱. لسان‌الدین ابن خطیب، الإحاطة فی أخبار غرناطه (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق)، ۱۵۲/۲؛ ابومحمد منذری، التکملة لوفیات النقلة (نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۱ق)، ۲۸۹/۴؛ احمد بن محمد مقرئ، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ق)، ۱۲/۳.

۲. ابن خطیب، الإحاطة فی أخبار غرناطه، ۱۴۶/۲.

۳. همان، ۱۴۷/۲. گفتنی است که ابن جبیر نویسنده اصلی کتاب نبوده است. او صرفاً شرح سفر خود را برای نویسنده و تدوین‌کننده رحله بیان کرده است (همان، ۱۴۸/۲-۱۴۹).

۴. همان. در تاریخ آغاز این سفر اختلاف است. ابن الأبار تاریخ سومین سفر او را پس از سال ۶۰۱ق نوشته و مدعی شده که ابن جبیر مدتی در مکه و بیت المقدس مجاور بوده است (محمد بن ابی بکر ابن الأبار، التکملة لکتاب الصلة (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق)، ۱۱۰). ابن خطیب بدون آن‌که به تاریخ آغاز سفر سوم ابن جبیر اشاره کند، یادآور شده که وی مدتی دراز در مکه و بیت المقدس مجاور بوده است (ابن خطیب، الإحاطة فی أخبار غرناطه، ۱۴۷/۲).

۵. ابن خطیب، الإحاطة فی أخبار غرناطه، ۱۵۲/۲؛ منذری، التکملة لوفیات النقلة، ۲۸۹/۴؛ مقرئ، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، ۱۰۵/۳.

رحله‌اش بر جنبه‌های فرهنگی و دینی تأکید بسیاری دارد و بدین طریق، توانسته است تصویر گویا و زنده‌ای از ابعاد فرهنگی مناطقی که بدان جاها سفر کرده، ارائه دهد. از امتیازات برجسته دیگر این سفرنامه، می‌توان به ذکر تاریخ دقیق وقایع و ذکر تاریخ میلادی و گاه رومی در کنار تاریخ هجری، توصیفات دقیق ابن‌جبیر از شهرهای بزرگ و بناهای مختلف (مانند مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها، خانقاه‌ها)، توصیفات دقیق او از حجاز به ویژه مکه و کعبه، خودداری او از مبالغه و ذکر امور عجیب و غریب و حتی رد آن‌ها در برخی از موارد^۱، مطالب منحصر به فرد او از سیسیل و تشریح روابط بین مسلمانان و مسیحیان، استناد به کتب تاریخی و اشاره به آیات قرآنی و اشعار ادبی اشاره کرد. از اشکالات وارد بر این سفرنامه نیز می‌توان به تعصب مذهبی و بدبینی ابن‌جبیر نسبت به شیعیان و مسیحیان و اشتباه او در جمع هزینه‌های ساخت جامع دمشق^۲ و محل قبر او پس قرن^۳ اشاره کرد. اطلاعات فراوان رحله ابن‌جبیر درباره نهاد‌های آموزشی از اهمیت بسزایی برای پژوهشگران تاریخ آموزش برخوردار است. با وجود نگارش چند پایان‌نامه و مقاله^۴ درباره ابن‌جبیر و سفرنامه او، هیچ کدام از آن‌ها به بررسی مراکز آموزشی مذکور در این سفرنامه پرداخته‌اند و غالب این پژوهش‌ها درباره سفرنامه و مسیر سفر ابن‌جبیر سخن گفته‌اند و تاکنون تلاشی در جهت استخراج اطلاعات مربوط به نهاد‌های آموزشی در این سفرنامه و تحلیل و بررسی آن‌ها صورت نپذیرفته است. نویسندگان در این پژوهش می‌کوشند پس از ارائه اجمالی گزارش‌های ابن‌جبیر درباره نهاد‌های آموزشی و سخن درباره گزارش‌های مفصل و منحصر به فرد او در این زمینه، زاویه نگاه و هرم توجه او به این نهادها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

۱. برای نمونه نک: مطالب مربوط به اضافه شدن آب زمزم در شب نیمه شعبان (محمد بن احمد ابن‌جبیر، رحله (بیروت: دار صادر، ۱۳۸۴ق)، ۱۱۸-۱۱۹).
۲. نک: ابن‌جبیر، رحله، ۲۳۵.

۳. ابن‌جبیر قبر او پس قرن را بدون تحقیق درباره درستی یا نادرستی آن در دروازه جاییه دمشق دانسته است (همان، ۲۵۴). او پس قرن از یاران امام علی (ع) در جنگ صفین به شهادت رسید و پیکر او نیز باید در همان‌جا دفن شده باشد.

۴. پایان‌نامه‌ها: ۱- کنجوریان، فرشته، بررسی ویژگی‌های ادبی و هنری سفرنامه‌های ابن‌جبیر و ابن‌بطوطه، کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷ش. ۲- گراوند، مجتبی، رحالان و رحله‌نویسی در تمدن اسلامی؛ با تکیه بر مطالعه موردی ابن‌فضلان، ابن‌جبیر و ابن‌بطوطه، کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷ش. ۳- منصور لاین، مسعود، بررسی توصیفی و تطبیقی سفرنامه ناصر خسرو و ابن‌جبیر، کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵ش.

مقالات: ۱- اسلامی، حسن، «نقد و معرفی کتاب: حج در آیین سفرنامه‌ها ۲. رحله ابن‌جبیر»، میقات حج، ش ۶ (زمستان ۱۳۷۲): ۱۹۹-۲۲۲. ۲- جعفریان، رسول و محمدحسین رفیعی، «بازتاب: راه حج در سفرنامه ابن‌جبیر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۱۴ و ۱۱۵ (آبان و آذر ۱۳۸۶): ۴۸-۵۳. ۳- رضا، عنایت‌الله، «ابن‌جبیر» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۰۴-۲۰۷. ۴- عباسی، علی‌اکبر، «سفرنامه ابن‌جبیر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۷ و ۷۸ (اسفند ۱۳۸۲ فروردین ۱۳۸۳): ۳۱-۳۴. ۵- یعقوبی، مهدی و محمدجواد یآوری سرتختی، «بازتاب تاریخ فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در سفرنامه ابن‌جبیر»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ش ۴۰ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۱۲۱-۱۴۶.

همچنین آثاری به زبان عربی نیز درباره ابن‌جبیر و سفرنامه او به نگارش درآمده است: الحجاز فی نظر الاندلسیین و المغاربه فی العصور الوسطی؛ ابن‌جبیر العبدری... از ابراهیم احمد سعید؛ دراسة فی الرحالة ابن‌جبیر الاندلسی البلسنی الکنانی و آثاره الشعرية و الثبوتية از احسان عباس؛ مع ابن‌جبیر فی رحلته از عبدالقدوس انصاری.

مفهوم نهاد آموزشی

با توجه به اهمیت علم‌آموزی در اسلام و تمدن اسلامی نیاز به تأسیس نهادها و تخصیص اماکنی به این امر احساس می‌شد. مساجد، مکتب‌خانه‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها از مهم‌ترین نهادهای آموزشی در جهان اسلام بودند که در ذیل به اختصار معرفی می‌شوند.

مسجد: مسجد به‌عنوان اولین و فراگیرترین مرکز آموزشی و علمی در اسلام، همزمان با تأسیس حکومت اسلامی در مدینه شکل گرفت. از آن جا که آموزش در چند دهه نخست، مشتمل بر راهنمایی‌های دینی وابسته به باورهای مذهبی بود، مسجد که برای عبادت و پرستش ساخته شده بود، برای انجام امور آموزشی نیز به کار گرفته شد.^۱ فاصله آغاز سده ۲ تا پایان سده ۳ ق تقریباً از درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت آموزشی مساجد بوده است.^۲ مسجد تاکنون نیز موقعیت خود را به‌عنوان مرکز آموزش و عبادت حفظ کرده است و برخی از آن‌ها تا امروز به‌صورت دانشگاه‌های بزرگ به امر آموزش اشتغال دارند.

مکتب: مکتب برای آموزش قرآن، آموزه‌های دینی و خواندن و نوشتن در حدّ مقدماتی و ابتدایی پدید آمد و برحسب نیاز و مقتضیات زمان در مکان‌های مختلفی مانند مساجد و منازل تشکیل می‌شد. در اینجا، پسران و دختران هردو آموزش داده می‌شدند.^۳ این نهادهای آموزش ابتدایی در مناطق عرب‌زبان به کتّاب و در ایران به مکتب یا مکتب‌خانه شهرت یافتند. محتوا و برنامه آموزشی مکتب‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام متفاوت و بیشتر منطبق با موضوعات و سلايق بومیان هر منطقه بود.^۴

مدرسه: سابقه ساخت اولین مدارس در تاریخ اسلام به قرن ۴ قمری می‌رسد. با این‌همه، این پدیده علمی و آموزشی در حقیقت محصول گام‌های بسیاری بوده که پیش از آن تاریخ در مساجد و دارالعلم‌ها برداشته شده بود. مدارس در نتیجه تلاش برای تحقق فعالیت‌های آموزشی خارج از مساجد و برای جبران نواقصی که در مراکز پیش از مدرسه وجود داشت به‌صورت مؤسساتی مخصوص نشر دانش پدید آمد.^۵ نخستین مدرسه‌ها در تاریخ اسلام به‌وسیله افراد نیکوکار و یا دانشمندان ساخته می‌شد.^۶ اما در نیمه قرن ۵ ق تغییرات و تحولات مهمی که سرآغاز عصری نوین در تاریخ علم و آموزش به حساب می‌آید، این

۱. احمد شلبي، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷ش)، ۱۱۴.

۲. عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسایي (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش)، ۵۸.

۳. حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش)، ۵۲-۵۳.

۴. مهدی نخستین، تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، ترجمه عبدالله ظهیری (مشهد: به نشر، ۱۳۶۷ش)، ۶۸.

۵. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۱۰۶.

۶. این نوع از مدرسه که قبل از تأسیس مدارس دولتی و نظامیه‌ها پدید آمد، در ابتدا متشکل از خانه‌ای بود که استاد با دانشجویان در آن گرد می‌آمدند و منبع مالی آن‌ها، دارایی شخصی استاد و یا ثروتمندان شهر بود (غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۱۱۱). برای نمونه می‌توان از مدرسه ابوبکر بن فورک اصفهانی (د. ۴۰۵ق) در نیشابور نام برد (عبدالحی ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب (بیروت: المکتب التجاری، بی‌تا)، ۱۸۱/۳).

مراکز را در معرض دگرگونی‌های اساسی قرار داد. مدرسه از آن زمان زیر پوشش حمایت و توجه دولت قرار گرفت و به‌صورت پایگاه مهمی برای بسط و اشاعه افکار مذاهب اهل سنت درآمد.^۱ این امر خطیر به دست وزیر سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک توسی و در قالب مدارس نظامیه صورت پذیرفت.^۲ پس از آن، سنت ساخت مدارس در سایر مناطق اسلامی گسترش یافت و مدارس بسیاری در نواحی مختلف جهان اسلام شکل گرفت.

بیمارستان: بیمارستان‌ها در طی قرون متمادی در سراسر جهان اسلام پراکنده بودند و به دلیل حضور دانشمندان و اطبای تراز اول طب، یکی از محل‌های مناسب برای آموزش دانش طب بودند. در واقع، جنبه‌های نظری علم طب در مساجد و مدارس تدریس می‌شد؛ اما آموزش عملی آن در بیمارستان‌ها صورت می‌گرفت و بیشتر بیمارستان‌های اسلامی کتابخانه و مدرسه‌ای برای تأمین این منظور داشتند.^۳ بیمارستان‌های جهان اسلام را مترادف با دانشکده‌های پزشکی علمی نوین می‌دانند^۴ که دانشجویان پزشکی پس از آنکه پزشکان از معاینه بیماران و درمان آن‌ها دست می‌کشیدند نزد آن‌ها می‌نشستند تا علوم طبی را بیاموزند.^۵

خانقاه: از دیگر مراکز آموزشی در تمدن اسلامی خانقاه‌ها بودند که بیشتر به جایگاه تعلیم و تربیت صوفیان و عارفان اختصاص داشتند. این خانقاه‌ها علاوه بر سماع و شعرخوانی، محلّ تدریس علوم اسلامی و آموزش کتب عرفانی بودند.^۶ هم‌زمان با گسترش تصوف و ظهور صوفیان نامدار، این مراکز و آموزش آن‌ها نیز رونق بیشتری می‌گرفت. هم‌چنین در طول تاریخ، کتاب‌های فراوانی بر این خانقاه‌ها وقف می‌شد.^۷

۱- نگاهی کلی به نهادهای آموزشی در رحله ابن جبیر

ابن جبیر نه تنها یک سیاح، بلکه دانشمندی بود که با چشم و گوش باز سفر می‌کرد و به دانش و نهادهای آموزشی علاقه نشان می‌داد. مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها، خانقاه‌ها و مکتب‌خانه‌ها که آموزش در آن‌ها جریان داشت، از نظر او دور نمی‌ماند. او در مواضع متعددی از رحله اطلاعات فراوانی درباره نهادهای

۱. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۱۱۳.

۲. نورالله کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴ش)، ۷۱-۶۹.

۳. نصر، علم و تمدن در اسلام، ۷۷.

۴. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۱۶۸.

۵. احمد عیسی‌بک، تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه نورالله کسایی (تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران، ۱۳۷۱ش)، ۴۲.

۶. محسن کیانی، تاریخ خانقاه در ایران (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۹ش)، ۳۸۲-۳۶۹.

۷. همان، ۳۸۲.

آموزشی ارائه کرده است. او غالباً دربارهٔ مراکز آموزشی بیشتر به کلی گویی بسنده کرده و از عباراتی مانند مساجد اسکندریه^۱، مساجد مصر (فسطاط) و قاهره^۲، ۳۰ مدرسهٔ بغداد^۳، ۲۰ مدرسهٔ دمشق^۴ و خانقاه‌های شام^۵ استفاده کرده است.

۱. مصر: ابن جبیر در دیدار خود از اسکندریه، از وجود مدارس و خوابگاه‌ها برای طالبان علم و اهل عبادت سخن گفته است. به نوشتهٔ او، جویندگان دانش از اطراف و اکناف به این شهر می‌آمدند و برای انواع علوم و فنون، استادان مشخصی وجود داشت.^۶ افزون بر آن، ابن جبیر از مساجد فراوان اسکندریه^۷ و قاهره^۸، مسجد جامع واقع در جزیرهٔ میان جیزه و فسطاط^۹، جامع قلیوب^{۱۰}، مسجد ابراهیم در مَنیة الخَصیب^{۱۱}، مسجد ذوالنون و مسجد داود در اخمیم^{۱۲} و بیمارستان‌های ابن طولون و صلاح‌الدین ایوبی^{۱۳} یاد کرده است. همچنین وجود مکتب‌خانه‌هایی در مصر برای تدریس قرآن به فقرا و ایتام نیز توجه ابن جبیر را به خود جلب کرده است.^{۱۴}

۲. حجاز: ابن جبیر از ۲۷ مسجد در حجاز نام برده و در این میان، به گوشه‌هایی از فعالیت‌های آموزشی مسجدالحرام و مسجدالنبی اشاره کرده است.

۳. عراق: در زمان حضور ابن جبیر در عراق، از ۱۷ محلهٔ بخش شرقی بغداد، در هشت محله مساجد جامعی وجود داشت که در آن‌ها نماز جمعه برگزار می‌شد.^{۱۵} این شهر در زمان دیدار ابن جبیر علاوه بر تعداد فراوان مساجد، در مجموع ۱۱ مسجد جامع داشته است.^{۱۶} ابن جبیر به طور کلی از وجود ۳۰ مدرسه

۱. ابن جبیر، رحلة، ۱۷.

۲. همان، ۲۴.

۳. همان، ۲۰۵.

۴. همان، ۲۵۵-۲۵۶.

۵. همان، ۲۵۶.

۶. همان، ۱۶-۱۵.

۷. همان، ۱۷.

۸. همان، ۲۴.

۹. همان، ۲۹.

۱۰. همان، ۱۸. قلیوب شهرکی کوچک در دو یا سه فرسنگی قاهره بوده است (احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان (بیروت: دارصادر، ۱۹۰۰)، ۸۲/۲).

۱۱. ابن جبیر، رحلة، ۳۳. مَنیة الخَصیب یا مَنیة ابن الخَصیب شهری پرجمعیت و نکو در «صَعید ادنی» مصر در ساحل رودخانه نیل بوده است (ابوعبدالله یاقوت حموی، معجم البلدان (بیروت: دار صادر، ۲۰۱۰)، ۲۱۸/۵).

۱۲. ابن جبیر، رحلة، ۳۶.

۱۳. همان، ۲۶.

۱۴. همان، ۲۷.

۱۵. همان، ۲۰۱-۲۰۰.

۱۶. همان، ۲۰۴.

در بغداد خبر داده که همگی در سمت شرقی واقع شده بودند و هرکدام چنان زیبا بود که کاخی بدیع و باشکوه در مقابل آن حقیر می نمود.^۱ در آن میان، نظامیه بغداد در نظر ابن جبیر به عنوان مهمترین مدرسه بغداد جلوه کرده است.^۲ افزون بر مدارس و مساجد بغداد، ابن جبیر از مسجد جامع کوفه و مسجد جامع آبادی صرصر نیز یاد کرده است.^۳

با وجود تأسیس مدارس بسیار تا زمان ابن جبیر، هنوز آموزش در خانه‌های عالمان رواج داشته است. او مجلس درس جمال‌الدین ابوالفضائل جوزی را در مقابل خانه‌اش در جانب شرقی بغداد دیده و آن را به دقت توصیف کرده است.^۴ همچنین دو مجلس دیگر وی را در باب بدر در صحن کاخ‌های خلیفه دیده و توصیف دقیقی از آن‌ها ارائه کرده است.^۵ افزون بر آن، او مجلس وعظ شیخ رضی‌الدین قزوینی، رئیس شافعیان و مدرّس مدرسه نظامیه در این مدرسه را نیز توصیف کرده است.^۶

۴. جزیره: ابن جبیر در دیدار خود از جزیره از مساجد تکریت^۷، مساجد موصل^۸، جامع نصیبین^۹، دو جامع رأس‌العین^{۱۰} و مساجد حرّان^{۱۱}، شش مدرسه یا بیشتر در موصل^{۱۲}، دو مدرسه در نصیبین^{۱۳}، یک مدرسه در دُنَیسِر^{۱۴}، یک مدرسه در رأس‌العین^{۱۵} و یک مدرسه در حرّان^{۱۶}، بیمارستان‌هایی در موصل^{۱۷}، بیمارستان نصیبین^{۱۸} و بیمارستان حرّان^{۱۹} یاد کرده است.

۵. شام: ابن جبیر اهتمام خاصی به توصیف نهادهای آموزشی شام دارد و در شمارش مساجد و مدارس

۱. همان، ۲۰۵.

۲. همان.

۳. همان، ۱۸۷-۱۸۹، ۱۹۳.

۴. همان، ۱۹۶-۱۹۸.

۵. همان، ۱۹۸-۲۰۰.

۶. همان، ۱۹۵-۱۹۶.

۷. همان، ۲۰۸.

۸. همان، ۲۱۰-۲۱۲.

۹. همان، ۲۱۴-۲۱۵.

۱۰. همان، ۲۱۹.

۱۱. همان، ۲۲۰-۲۲۲.

۱۲. همان، ۲۱۱.

۱۳. همان، ۲۱۵.

۱۴. همان، ۲۱۶. دُنَیسِر از شهرهای بزرگ و مشهور جزیره در دو فرسنگی ماردین قرار داشته است (یاقوت‌حموی، معجم البلدان، ۴/۴۷۸).

۱۵. ابن‌جبیر، رحلة، ۲۱۸.

۱۶. همان، ۲۲۱.

۱۷. همان، ۲۱۱.

۱۸. همان، ۲۱۵.

۱۹. همان، ۲۲۱.

هر شهر که به آن گام می‌گذارد، کوشیده است. وی از مساجد جامع حلب^۱، حمات^۲ و دمشق^۳ یاد کرده و از دیگر مساجد دمشق و حومه آن، به این مساجد اشاره کرده است: مسجد بزرگ واقع در محل ولادت ابراهیم (ع)^۴، مسجد واقع در غار موسوم به «مغارة الدم»^۵، مسجد واقع در غار موسوم به «مغارة الجوع»^۶ (هر سه در کوه قاسیون دمشق جای داشتند)، مسجد واقع در تپه محل نزول مسیح (ع) و مادرش^۷، جامع دهکده نیرب^۸، جامع بزرگ دهکده مژه^۹ و مسجد بیت لاهیه^{۱۰}، مسجد منسوب به امام علی (ع) در مجاورت جامع اموی دمشق^{۱۱}، مسجد کوچک واقع بر مزار سعد بن عباده خزرجی^{۱۲} و مسجد واقع بر مزار دو تن از سادات حسنی و حسینی^{۱۳}. از مسجد واقع بر مزار سُکینیه (ع)^{۱۴}، مسجد اُقدام^{۱۵} و مسجد عکّا^{۱۶} و مساجد صور^{۱۷} نیز در اثر ابن جبیر ذکری به میان آمده است. او از مدارس این ناحیه نیز به یک مدرسه در حمص^{۱۸}، سه مدرسه در حمات^{۱۹}، پنج یا شش مدرسه در حلب^{۲۰} و حدود بیست مدرسه در دمشق^{۲۱} اشاره کرده است. وی همچنین از خانقاه‌های فراوان دمشق یاد کرده و به توصیف یکی از آنها به نام قصر

۱. همان، ۲۲۷.

۲. همان، ۲۳۱.

۳. همان، ۲۴۶-۲۳۵.

۴. ابن جبیر می‌نویسد: مولد ابراهیم (ع) در دامنه کوه قاسیون در کنار دهکده‌ای موسوم به برزه قرار داشت. این مشهد در واقع غار کشیده و تنگی بود که مسجد مرتفع بزرگی بر فراز آن ساخته شده بود. این مسجد خود از مساجد متعددی به سان غرفه‌های مشرف به یکدیگر تشکیل می‌شد. صومعه (مکانی برای عبادت) مرتفعی نیز در بالای این مسجد تعبیه شده بود (همان، ۲۴۶).

۵. به نوشته ابن جبیر، این غار در حدود یک میلی (مایلی) دامنه غربی کوه قاسیون دمشق جای داشت و از آن رو «مغارة الدم» (غار خون) خوانده می‌شد که عده‌ای معتقد بودند در جایی در بالای آن و در دامنه کوه، خون هابیل بر زمین ریخته شده است. او درباره مسجد واقع در این غار نیز آورده است: این مسجد که به گونه‌ای استوار ساخته شده و دسترسی به آن تنها از طریق نردبان میسر است، مدور می‌نماید و در آن اتاق‌ها و امکاناتی برای سکونت در نظر گرفته شده است. در این مسجد دیدنی تنها در روزهای پنجشنبه به روی بازدیدکنندگان و نمازگزاران باز می‌شد. (همان، ۲۴۷).

۶. بنا به نقل ابن جبیر، این غار در پایین کوه قاسیون واقع بود و برخی معتقد بودند پیامبرانی در آن از شدت گرسنگی درگذشته‌اند (همان، ۲۴۸).

۷. ابن جبیر این‌جا را محل نزول مسیح و مادرش، همان تپه‌ای که در آیه ۵۰ سوره مومنون بدان اشاره شده، دانسته است (همان، ۲۴۸-۲۴۷).

۸. همان، ۲۴۹.

۹. همان.

۱۰. به گزارش ابن جبیر، این مسجد پیش‌تر کنیسه بوده است (همان، ۲۴۹-۲۵۰).

۱۱. این مسجد به شیعیان اختصاص داشت و در مجاورت مسجد جامع دمشق بنا شده بود. به گفته ابن جبیر، در جانب شرقی صحن جامع اموی دری وجود داشت که به این مسجد منتهی می‌شد. شیعیان می‌گفتند کسی در خواب امام علی (ع) را در این مکان در حال نمازگزاردن دیده است (همان، ۲۵۲).

۱۲. همان، ۲۵۲-۲۵۳.

۱۳. همان، ۲۵۳.

۱۴. همان.

۱۵. همان، ۲۵۴.

۱۶. همان، ۲۷۶.

۱۷. همان، ۲۷۹.

۱۸. همان، ۲۳۲.

۱۹. همان، ۲۳۱.

۲۰. همان، ۲۲۸-۲۲۷.

۲۱. همان، ۲۵۵-۲۵۶.

پرداخته است.^۱

۶. سیسیل: محققان برای تصویری که ابن جبیر از زندگی مسلمانان ساکن جزیره سیسیل ارائه کرده، اهمیت فراوانی قائل شده‌اند. وی شیوه زندگی مادی و معنوی مسلمانان شهرهای مسینا و تراپانی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و زندگی فرمانروایان و کاخ‌های آنان را شرح داده است و این در حالی است که مؤلفان آثار لاتینی معاصر ابن جبیر نتوانسته‌اند چنین دقت نظری را از خود نشان دهند.^۲ ابن جبیر در توصیف سیسیل به مساجد ثرمة^۳، پالمو^۴، علقمه^۵ و اطرابنش^۶ اشاره کرده و در مسیر خود کلیساهایی را دیده که در قالب بیمارستان برای درمان بیماران مسیحی مهیا شده بود. به گفته او، مسیحیان در دیگر شهرهای خود نیز چنین مراکزی مشابه بیمارستان‌های مسلمانان داشته‌اند.^۷

از آن‌جا که هدف ابن جبیر از این سفر و نگارش سفرنامه، سفر حج و توصیف سفر و شهرهایی بود که در مسیر سفر خود از آن‌ها عبور می‌کرد، به توصیف زادگاه خود، اندلس پرداخته است و به همین دلیل از نهادهای آموزشی آن نیز در این سفرنامه سخنی به میان نیامده است.

۲- زاویه نگاه ابن جبیر به نهادهای آموزشی

از آنجا که ابن جبیر در سفر خود با شماری از بزرگان علمی بلاد دیدار داشته و از مجالس علم و وعظ آنان بهره‌ها برده و از برخی از ایشان چون صدرالدین خجندی اجازه روایت گرفته است.^۸ تصور و نوع نگاه او به محیط علمی و آموزشی سده ۶ق/۱۲م تصویری گویا و مستند از اوضاع فرهنگی جهان اسلام در این دوره به دست می‌دهد. اهمیت این تصور ابن جبیر و تصویری که از آن ارائه کرده، از آنجاست که او خود به‌عنوان یک عنصر فعال در این عرصه حضور داشته و آن را به چشم خویش دیده است. در ادامه زوایایی از نوع نگاه وی به نهادهای آموزشی از نظر می‌گذرد.

۱. همان، ۲۵۷-۲۵۶.

۲. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پابنده (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش)، ۲۴۳.

۳. ابن جبیر، رحلة، ۳۰۳.

۴. همان، ۳۰۶-۳۰۵ (Palermo).

۵. همان، ۳۰۷ (Alcamo).

۶. همان، ۳۰۸.

۷. همان، ۳۰۳.

۸. به عنوان نمونه نک: ابن جبیر، رحلة، ۲۳، ۱۱۰، ۱۶۹-۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۲.

۲-۱- عناصر معماری و زیبایی‌شناختی نهادهای آموزشی

با وجود اشارات فراوانی که ابن جبیر به نهادهای آموزشی دارد، چنین می‌نماید که در موارد بسیاری، علاقه فراوانی به ذکر فعالیت‌های آموزشی این مراکز نداشته است و همان‌طور که عناصر معماری و زیبایی‌شناختی ساختمان یک مدرسه یا مسجد توجه یک توریست امروزی را به خود جلب می‌کند، بیشتر از این زاویه به نهادهای آموزشی نگریسته است. از آن جمله می‌توان به توصیف مسجد جامع کوفه^۱ یا مدرسه بزرگ نوری در دمشق اشاره کرد که به گفته ابن جبیر یکی از خوش‌منظرترین مدارس دمشق بوده است.^۲ با این که ابن جبیر در توصیف مدارس بیشتر بر شکل و معماری مدارس تأکید داشته است، گاه (از تعلق آن‌ها به مذاهب نیز سخن گفته است. از آن جمله می‌توان به مدرسه مخصوص حنفیان در سمت غربی جامع حلب (حلاویه)^۳ و مدرسه شافعیان در سمت راست و بیرون باب البرید در جامع دمشق (مدرسه امینیه)^۴ اشاره کرد.

۲-۲- معیشت و سکونت استادان و دانشجویان

از دیگر مسائل مهم مربوط به نهادهای آموزشی که در سفرنامه ابن جبیر مذکور است، می‌توان به مسائل مالی و رفاهی و نحوه تأمین هزینه این نهادها اشاره کرد. با نگاهی به تاریخ زندگی و سیره دانشمندان مسلمان در تمدن اسلامی می‌توان به اهمیت عنصر وقف در شکوفایی مراکز علمی و آموزشی پی برد. وقف از نظر درآمد و بهره مستمر از بهترین منابع درآمدی برای تعلیم اسلامی بوده است و پایداری و استمرار تعلیم در اسلام در طول سده‌های متمادی و نظم و ترتیب فعالیت علمی در مراکز آموزش اسلامی به این منبع مالی بستگی داشته است.^۵ واقفان و خیران در سرزمین‌های اسلامی شرایط مطلوبی برای مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها فراهم کردند و با اعطای موقوفات یا پرداخت هزینه‌ها، این مراکز علمی و آموزشی را رونق و شکوفایی بخشیدند. اطلاعات فراوانی که ابن جبیر در سفرنامه از برخی از این واقفان به دست داده، اهمیت بسزایی برای محققان تاریخ آموزش دارد. در میان این خیران، ابن جبیر به طور خاص از نورالدین زنگی و صلاح‌الدین ایوبی با تجلیل یاد کرده و آنان را به سبب فراهم ساختن

۱. نک: ابن جبیر، رحلة، ۱۸۷-۱۸۹.

۲. نک: همان، ۲۵۶.

۳. همان، ۲۲۸-۲۲۷.

۴. همان، ۲۴۴.

۵. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۳۰۱.

امکانات و تسهیلات آموزشی ستوده و طالبان علم و دوستان مغربی خویش را برای تحصیل به قلمرو این حکمرانان مسلمان فرا خوانده است.^۱

در میان آن دو، صلاح‌الدین که به علم دوستی و تجلیل عالمان مشهور بود، توجه وی را بیشتر به خود جلب کرده است. مؤسس سلسله ایوبی خود به مجالس حدیث علاقه‌مند بود و در مجالس دانشمندی که در حاشیه‌اش به چشم می‌خوردند، حضور یافته یا در مباحث‌شان شرکت می‌جست.^۲ این سلطان ایوبی با وجود حضور پررنگ در جنگ‌های صلیبی، تلاش بسیاری در رونق بخشیدن به مراکز علمی و آموزشگاه‌های دینی در مصر و شام مبذول داشت. عصر ایوبیان را از همین رو باید دوران شکوفایی مدارس در مصر و شام دانست. صلاح‌الدین برای تثبیت پایه‌های مذهب سنی و به‌ویژه مذهب شافعی در مصر به علوم دینی توجه کرد و برای طالبان علم و علمای دین، خاصه فقهای شافعی، اوقافی در نظر گرفت. ابن جبیر بارها در سفرنامه از این جهت صلاح‌الدین ایوبی را می‌ستاید؛ چنان‌که در باب رسیدگی به احوال مساجد و مدارس توسط وی چنین سخن گفته است:

«در این دیار مسجد جامعی یا مسجدی یا بقعه‌ای و اقامتگاهی از اماکن خیریه عمومی و مدرسه‌ای نیست جز آن که فضل سلطان همه ساکنان و پناه‌جستگان در آن‌ها را شامل شده و پرداخت هزینه این همه از خزانه، بر سلطان بسیار هموار و دلپذیر است.»^۳

ابن جبیر از توجه صلاح‌الدین ایوبی به دانشجویان غریب و نیز انواع لطف و مهربانی در حق ایشان نیز سخن گفته است. وی این توجهات را به چشم خود دیده و نشانه‌های آن را در اسکندریه مشاهده کرده و از وجود مدارس و خوابگاه‌ها برای طالبان علم و اهل عبادت سخن گفته است. به نوشته او، جویندگان دانش از اطراف به این شهر می‌آمدند و برای انواع علوم و فنون، استادان مشخصی وجود داشت. توجه سلطان به این غریبان بیگانه به اندازه‌ای بود که گر مابه‌هایی خاص برای استحمام ایشان تعیین کرده بود. همچنین بیمارستانی را به درمان بیماران این جماعت اختصاص داده و پزشکانی را بر آنان گماشته بود که به احوال آنان رسیدگی می‌کردند و پرستارانی را زیردست پزشکان قرار داده بود که به دستور آنان امور بیماران را از تهیه دارو و خوراک انجام می‌دادند.^۴

۱. ابن جبیر، رحلة، ۲۵۸-۲۵۷.

۲. تقی‌الدین سبکی، طبقات الشافعية الكبرى (بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۲۴ق)، ۳۲۶/۴؛ سعید عبدالفتاح عاشور، مصر و الشام فی عصر الايوبيين و الممالیک (بیروت: دارالنهضة العربية، بی‌تا)، ۱۲۹.

۳. ابن جبیر، رحلة، ۲۷؛ محمد بن احمد بن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی (مشهد: به نشر، ۱۳۷۰ش)، ۸۵.

۴. ابن جبیر، رحلة، ۱۶۱۵.

به گفته وی، صلاح‌الدین مکتب‌خانه‌هایی نیز در مصر بنا نهاد تا قرآن و کتابت را به کودکان تهیدست و ایتم آموزش دهند و به دستور او، مقرری نیز برای آنان برقرار شد.^۱ ابن جبیر در توصیف قَرافَه فسطاط نیز آورده است:

«قَرافَه مذکور آباد و پر از بناهایی است که غریبان و عالمان و صالحان و درویشان در آن سکونت دارند و مقرری ماهیانه هر جایگاه آن از جانب سلطان استمرار دارد و وضع مدارس مصر و قاهره نیز چنین است.»^۲

ابن جبیر در ذکر اوقاف ابنیه مقدس حومه دمشق نیز با اعجاب از اوقاف فراوان آن‌ها سخن گفته است. به گفته او، املاک موقوفه این مشاهد تقریباً همه مایملک شهر را به خود اختصاص داده بودند و امیران و خاتونان دولتمند نیز در این کار بر یکدیگر پیشی می‌جستند.^۳

عبارات ابن جبیر درباره اوقاف و امکانات رفاهی برخی از این نهادها، به ویژه در توصیف جامع اموی دمشق، نشان می‌دهد که او اموری مانند رسوم، امکانات، اوقاف و ابنیه این نهادها را مایه مباهات اسلام و مسلمانان می‌پنداشته است.^۴

۲-۳- شیوه‌های آموزشی خاص

روش‌های آموزشی خاص جذابیت بسیاری برای ابن جبیر داشت و از همین رو، معمولاً توجه او را به خود جلب کرده است. این توجه معمولاً در زمانی جلب شده که ابن جبیر تفاوت محسوسی میان روش‌های آموزشی غرب جهان اسلام (مغرب و اندلس) و شرق آن احساس کرده است. افزون بر آن، فارغ از مقایسه میان شرق و غرب سرزمین‌های اسلامی، گاهی اساساً روش مورد مشاهده او یا به‌طورکلی، دیگر موضوعات پیرامون عالمان و متعلمان، در نظرش بدیع و اعجاب‌آور آمده است. او در این موارد عباراتی این چنین بیان کرده است: «در این بلاد مشرق...»^۵، «اینان را در این زمینه سیره‌ای نکوست»^۶ و «این نیز از غریب‌ترین سخنانی است که درباره مفاخر این بلاد گفته می‌شود».^۷ یکی از نمونه‌های گویا در این زمینه، اشاره وی به روش نکوی دمشقیان در آموزش قرآن به کودکان است که ظاهراً در موطن ابن جبیر به شکل

۱. همان، ۲۷.

۲. همان، ۲۴؛ سفرنامه، ۸۳.

۳. ابن جبیر، رحلة، ۲۴۸.

۴. نک: همان، ۲۳۵-۲۴۶.

۵. همان، ۲۵۸.

۶. همان، ۲۴۵.

۷. همان.

دیگری مرسوم بوده است. به نوشته وی، آموزش قرآن به کودکان در کل شرق جهان اسلام - که گویا شام را نیز بخشی از آن محسوب داشته - آموزش شفاهی (تلقین) بوده است و خط تنها از طریق نوشتن متونی غیر از قرآن مانند اشعار آموخته می‌شد. او افزوده است که در بیشتر این سرزمین‌ها هم معلم (ملقن) و هم آموزگار خط (مکتب)، در کنار یکدیگر، وجود داشتند و هر کدام جداگانه به آموزش می‌پرداختند. ابن جبیر این روش را که «آموزش را از خط‌آموزی جدا ساخته» یکی از شیوه‌های نکوی آموزشی در شرق جهان اسلام دانسته است.^۱ بنا به سخن ابن خلدون در مقدمه، روش اهل اندلس (دیار ابن جبیر) در تعلیم برخلاف شرق به این صورت بوده که قرآن و کتاب را با هدف تحصیل سواد خواندن و نوشتن آموزش می‌دادند. با آنکه قرآن اصل و اساس آموزش خواندن و نوشتن بود، تنها به آموزش قرآن بسنده نمی‌کردند و در تعلیم کودکان، به مسائل دیگری چون روایت شعر، ترسل، قوانین زبان عربی و بیش از همه، آموزش خط توجه می‌کردند.^۲

افزون بر آن، ابن جبیر در بغداد روش آموزشی خاص رایج در مدرسه نظامیه را - که از جالب‌ترین شیوه‌های عالمان شرق جهان اسلام در تنظیم برنامه مناقشه و سؤال بوده - به چشم دیده است. او که در مجلس سخنرانی رضی‌الدین قزوینی حضور یافته بود، چنین آورده است: پس از آنکه قزوینی در اقسام دانش‌ها از جمله تفسیر و معانی قرآن سخن گفت، از هر سو رگبارهای سوال به‌سان تیر به طرف او نشانه رفت و شیخ به همه پاسخ گفت و در هیچ یک کوتاه نیامد و ... به یکایک پرسش‌های فراوان مردم که در رقع‌ها نوشته شده بود، پاسخ داد.^۳

۲-۴ - شمار و کمیّت نهادهای آموزشی

افزون بر آنچه درباره زوایای نگاه ابن جبیر به نهادهای آموزشی گفته شد، کمیّت نهادهای آموزشی نیز مورد توجه وی بوده و به شمارش نهادهای آموزشی مناطقی که به آن جا گام گذاشته، اهتمام خاصی داشته است و از عباراتی مانند «چهار مسجد جامع قاهره در کنار مساجد بسیار دیگر»^۴، «یازده مسجد جامع بغداد»^۵، «۳۰ مدرسه بغداد»^۶، «شش مدرسه یا بیشتر در موصل»^۱، «چهار یا پنج مدرسه در حلب»^۲ و «۲۰ مدرسه مدرسه دمشق»^۳ استفاده کرده است.

۱. همان.

۲. عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، مقدمه (صیدا - بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۶ق)، ۵۳۶-۵۳۷.

۳. ابن جبیر، رحلة، ۱۹۵.

۴. همان، ۲۴.

۵. همان، ۲۰۴.

۶. همان، ۲۰۵.

۳- گزارش‌های منحصر به فرد از نهادهای آموزشی

برخی از نهادهای آموزشی که ابن جبیر در سفرنامه خود یاد کرده، در هیچ یک از منابع شناخته شده تا عصر او اعم از تاریخی و جغرافیایی نام برده نشده و او نخستین مؤلف مسلمان است که از آن‌ها سخنی به میان آورده است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مسجد سلمه سربرهنه «المکشوف الرأس» در حرّان^۴، ۲ و ۳- دو مدرسه در نصیبین^۵ که حدود یک و نیم سده بعد ابن بطوطه نیز در سفرنامه خود از آن‌ها یاد کرده است.^۶ ۴- مدرسه‌ای در شهر رأس العین در ایالت جزیره که ابن جبیر از خانقاهی در نزدیکی آن سخن گفته و به توصیف آن پرداخته است.^۷

۴- گزارش‌های مفصل از نهادهای آموزشی

توصیف‌های مفصل و دقیق ابن جبیر درباره مسجد الحرام^۸ و مسجد اموی دمشق^۹ از ارزش بالایی برخوردار بوده و به عنوان منبع دست اول در تحقیقات تاریخی می‌توان از آن‌ها بهره برد. او ضمن توصیف مفصل این مساجد، برخی از فعالیت‌های آموزشی آن‌ها را نیز یاد کرده است.

ابن جبیر در توصیف‌های مفصل خود درباره مسجد الحرام، افزون بر سخن درباره موضوعاتی چون خزانه کتب وقفی مالکیان^{۱۰}، گنبد‌های محل نگهداری اوقاف کعبه^{۱۱} و سگ‌های محل استقرار نسخه-نویسان، قاریان و برخی از خیاطان، به فراوانی حوزه‌های درسی استادان و عالمان در پیرامون مسجد الحرام (حرم) نیز اشاره کرده است.^{۱۲} او همچنین پسر بیچه‌ای را در حجر اسماعیل دیده که نزدیکی از حاجیان

۱. همان، ۲۱۱.

۲. همان، ۲۲۸-۲۲۷.

۳. همان، ۲۵۶-۲۵۵.

۴. همان، ۲۲۲.

۵. همان، ۲۱۵.

۶. محمد بن عبدالله ابن بطوطه، رحلة (دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۴ق) ۲۳۷. این دو مدرسه احتمالاً همان مدرسه کمال‌الدین شهرزوری شیبانی (پیش از سال ۵۷۲ق) (این مدرسه به همت کمال‌الدین شهرزوری شیبانی (د. ۵۷۲ق) بنا شد ناجی معروف، علماء النظامیات و مدارس المشرق الإسلامی (بغداد: مطبعة الإرشاد، ۱۳۹۳ق)، ۱۹۶. ناجی معروف آن را غیر از ۲ مدرسه مذکور توسط ابن بطوطه دانسته و در مجموع ۳ مدرسه برای نصیبین ذکر کرده است) و مدرسه زنگی بن مودود (پیش از ۵۷۴ق) (زنگی بن مودود بن آق سنقر (د. ۵۷۴ق) این مدرسه را در نصیبین برای حنفیان بنا و اموال فراوانی را بر آن وقف کرد (ابوالقاسم عمر بن احمد ابن العدیم، بغية الطالب فی تاریخ حلب (بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق)، ۳۸۶/۸) بوده است.

۷. نک: ابن جبیر، رحلة، ۲۱۸.

۸. همان، ۸۶-۵۹.

۹. همان، ۲۴۶-۲۳۵.

۱۰. همان، ۸۳.

۱۱. همان، ۶۶.

۱۲. همان، ۶۸.

حمد و سوره می آموخت.^۱ افزون بر آن، مجالس ختم قرآن و آزمون خطیبان نوجوان در ماه رمضان در خانه خدا نیز توجه او را به خود جلب کرده و سه مجلس از این دست را به گونه‌ای دقیق و جذاب شرح داده است.^۲

ابن جبیر در ربیع الآخر سال ۵۸۰ق از مسجد اموی دمشق دیدن کرده و توصیفات مفصلی از آن به دست داده است. او در توصیف مقصوده سوم جامع، از تدریس و نمازگزاردن حنفیان در آن جا سخن به میان آورده و در ادامه به زوایایی از این جامع اشاره کرده که طلاب علم از آن‌ها برای نسخه‌نویسی و درس و جدا ماندن از ازدحام مردم بهره می‌گرفته‌اند.^۳

وی در ادامه در توصیف صومعه‌های جامع دمشق، به زاویه ابوحامد غزالی که در صومعه سمت غربی قرار داشته، اشاره می‌کند.^۴ او همچنین به مکتب‌خانه‌های این مسجد واقع در دالان در شرقی اشاره کرده و درباره آموزش قرآن به کودکان و شیوه آموزشی این مکتب‌خانه‌ها به تفصیل سخن گفته است.^۵ با اینکه بنا بر حدیثی از پیامبر (ص)^۶ از ابتدا و به خصوص پس از برپایی مکتب‌خانه‌ها و مدارس، به لحاظ نظری از آموزش کودکان در مساجد جلوگیری می‌شد، این امر عملاً بارها نادیده گرفته می‌شده است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد همان‌گونه که مکتب‌خانه‌ها در خانه‌های شخصی برپا می‌شد، در زاویه‌های مسجد یا اتاق‌های چسبیده به مساجد نیز چنین جایگاه‌هایی وجود داشت. چنان‌که در سفرنامه ابن جبیر^۷ و ابن بطوطه^۸ به برخی از این حلقه‌های درسی کودکان در مسجدها برمی‌خوریم. افزون بر آن، نظر به استفاده ابن جبیر از واژه‌های «محاضر»^۹ و «محضره»^{۱۰} در سخن از «کتاب الیتامی» (مکتب‌خانه یتام)، گویا مراد وی از واژه «محاضر لتعلیمی الصبیان»^{۱۱} در این جا مکتب‌خانه بوده است.

ابن جبیر همچنین از خانقاهی در این جامع نام برده^{۱۲} که گویا خانقاه سَمِساطیه بوده است. او در ادامه به قرائت قرآن در صبح و عصر در این جامع اشاره کرده و یادآور شده است که در این مسجد حوزه‌های درسی برای طالبان علم وجود داشته و شهریه‌ای فراوان به مدرسان اختصاص داشته است. همچنین مالکیان

۱. همان، ۱۱۳.

۲. همان، ۱۲۷-۱۲۹.

۳. همان، ۲۳۹.

۴. همان، ۲۴۰.

۵. همان، ۲۴۴-۲۴۵.

۶. نک: محمد بن محمد بن احمد قرشی، معالم القریة فی احکام الحسبة (قم: مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ق)، ۲۶۰.

۷. نک: ابن جبیر، رحلة، ۲۱۳، ۲۴۴-۲۴۵.

۸. ابن بطوطه، رحلة، ۹۴.

۹. ابن جبیر، رحلة، ۲۷.

۱۰. همو، ۲۴۵.

۱۱. همان، ۲۴۴.

۱۲. همان.

در سوی غربی، زاویه‌ای برای درس داشتند که دانشجویان مغربی در آن برای تحصیل گرد می‌آمدند و برای ایشان نیز شهریه‌ای مقرر شده بود. در مجموع، به نوشته ابن جبیر امکانات رفاهی این مسجد گرامی برای غریبان و طالبان علم فراوان و گسترده بوده است.^۱

۵- هرم توجه به نهادهای آموزشی

با وجود دقت ابن جبیر در توصیف و شمارش نهادهای آموزشی، برخی از آن‌ها مورد کم لطفی یا غفلت قرار گرفته‌اند. با این‌همه، استقصای نهادهای آموزشی مناطقی که ابن جبیر بدان‌ها گام نهاده، شاید بتواند در تحلیل نوع نگاه وی به نهادها و همچنین علایق وی به برخی از مناطق و شهرها راهگشا بوده و سودمند افتد.

در سخن از نهادهای آموزشی یادشده در این سفرنامه، ارائه فراوانی نهادها به تفکیک مناطق خالی از لطف نیست. نهادهای آموزشی شام، حجاز، جزیره، مصر، عراق و سیسیل، به ترتیب، بیشترین تا کمترین توجه را در این سفرنامه به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به مدت کوتاه استقرار اسلام و مسلمانان در سیسیل (۲۱۲-۴۸۴ق و سپس به مدت ۱۱۰ سال همزمان با حکومت نورمان‌ها) و دوری آن از مرکز حکومت مسلمانان نمی‌توان وضع فرهنگی آن را با برخی از مناطق مذکور مانند شام، عراق و مصر مقایسه کرده و در دو کفه ترازو گذاشت. با در نظر گرفتن این نکته، به هر رو، فراوانی نهادها در این سفرنامه، نخست برجستگی نسبی فرهنگی و آموزشی برخی از این مناطق را نشان می‌دهد و همچنین می‌تواند حکایت‌گر علاقه و توجه بیشتر ابن جبیر به برخی از مناطق نسبت به دیگر نواحی همپایه باشد.

وضع عام فرهنگی و علمی-آموزشی عراق، شام و مصر در نیمه دوم سده ۶ق در نظر صاحب‌نظران عرصه تاریخ آموزش در جهان اسلام به دلیل تسلط دولت‌های دانش‌دوست در این مناطق و بهره بردن از برجسته‌ترین پشتیبانان و پایه‌گذاران نهادهای آموزشی در جهان اسلام (نظام‌الملک و سلاجقه در عراق، نورالدین زنگی و زنگیان در شام و صلاح‌الدین و ایوبیان در مصر) شاید چندان تفاوت محسوسی نداشته باشند. با وجود این، چنین می‌نماید که ابن جبیر نگاهی یکسان به نهادهای مذهبی و آموزشی مناطق مذکور نداشته است. از مجموع مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و خانقاه‌های فراوان عراق در زمان گام نهادن بدان، او تنها به ذکر ۸ نهاد (۶ مسجد، یک مدرسه و یک بیمارستان) بسنده^۲ و از ذکر ۳۴ نهاد دیگر غفلت یا

۱. همان، ۲۴۴-۲۴۵.

۲. نک: جدول شماره ۱.

تغافل کرده است^۱ و در مقابل، در شام از ۲۷ نهاد آموزشی (۱۹ مسجد، ۲ مدرسه، ۴ بیمارستان و ۲ خانقاه) یاد کرده است.^۲ این در حالی است که او می‌توانست در این ناحیه ۴۹ نهاد دیگر را نیز ذکر کند.^۳ در مورد توجه بیشتر ابن جبیر به مساجد در برابر مدارس به نظر می‌رسد نگاه غالب او و هر مسلمان دیگری به مساجد در حقیقت به جایگاه برتر مذهبی، اجتماعی و سیاسی مساجد نسبت به دیگر نهادهای آموزشی در جهان اسلام بازمی‌گردد. با توجه به آن‌که ابن جبیر سفر خود را با انگیزه مذهبی آغاز کرده بود، مسجد در نظر او مکان اصلی عبادت و بارزترین جایگاه در حیات اجتماعی و فرهنگی مسلمانان شمرده می‌شد. فارغ از آن‌که او در ذهن و نظر به برتری مساجد اعتقاد داشت، ظاهر باشکوه و ساختمان‌های مجلل مساجد نیز - که با آن جایگاه مذکور کاملاً همخوانی داشت - چشمش را نیز پر می‌کرد.

افزون بر آن، چنان‌که پیشتر گفته شد، تمجید فراوانی از سلطان شام و مصر، صلاح‌الدین، در رحله ابن جبیر به چشم می‌خورد.^۴ به روشنی نمی‌توان به این پرسش مهم پاسخ گفت که بازگرداندن مصر به دامن اهل سنت توسط صلاح‌الدین و فتوح خیره‌کننده او در برابر صلیبیان به ویژه بازگرداندن قدس به قلمرو اسلامی تا چه اندازه در نگاه ابن جبیر اندلسی به قلمرو ایوبی، شام و تاحدودی مصر، اثرگذار بوده است؛ اما به هر رو، از اعجاب وی از آنچه در شام دیده و همچنین لحن سخن او درباره این سلطان ایوبی می‌توان تاحدودی به این تأثیرپذیری پی برد.

از مجموع آنچه درباره آمار نهادها در سفرنامه ابن جبیر گفته شد، می‌توان دریافت که به طور کلی، شام و به‌ویژه دمشق مقارن سلطنت صلاح‌الدین (حک: ۵۶۷-۵۸۹ق) در نظر او سرآمد و قلب بلاد و شهرهای اسلامی و «دار الاسلام» و امکانات رفاهی آن بیش از آن بوده که به وصف درآید.^۵

با این‌همه، نمی‌توان انکار کرد که آمار نهادهای آموزشی در این ناحیه که ابن جبیر صریحاً ذکر کرده از آن‌ها به میان نیاورده، به روشنی از شکوفایی مذهبی و علمی - آموزشی این خطه از جهان اسلام مقارن سلطنت نخستین سلطان ایوبی حکایت می‌کند. باوجوداین، آنچه توجه و علاقه مؤلف ما به این ناحیه را برجسته کرده و آن را تصدیق می‌کند، کم‌توجهی او به نهادهای آموزشی عراق است. برای دستیابی به این مهم می‌توان به آمار کل نهادهایی که در زمان ورود ابن جبیر به عراق در این ناحیه وجود داشته و از نظر وی مغفول مانده، نظر انداخت.^۶ در مورد علل کم‌توجهی ابن جبیر به نهادهای آموزشی عراق در برابر شام باید

۱. نک: جدول شماره ۲.

۲. نک: جدول شماره ۱.

۳. نک: جدول شماره ۲.

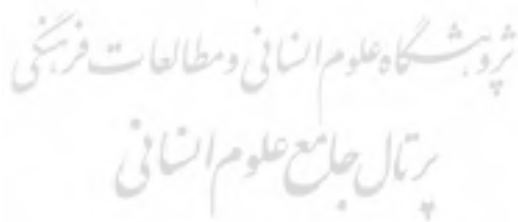
۴. به عنوان نمونه، نک: ابن‌جبیر، رحله، ۱۶-۱۵، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۷۰.

۵. همان، ۲۴۶.

۶. قس: جدول‌های ۱ و ۲، ذیل عراق.

گفت در زمان دیدار ابن جبیر از عراق با اینکه دستگاه خلافت تحت فرمانروایی خلفای مقتدری چون مقتفی و ناصر جان تازه‌ای گرفته بود، اوضاع بغداد چنان نبود که نظر ابن جبیر را جلب کند. او که در سال ۵۸۰ق و هم‌زمان با حکومت ناصر از بغداد دیدن کرد، انحطاط کلی آن را ملاحظه کرده و نخوت اهالی آن را به باد انتقاد گرفت.^۱ ظاهراً این امر در نگاه ابن جبیر به عراق و کم‌توجهی وی به نهادهای آموزشی این منطقه بی‌تأثیر نبوده است.

در تحلیل آمار نهادهای آموزشی در سفرنامه همچنین می‌توان به شمار اندک مدارس با اسم و رسم خاص اشاره کرد. در مقابل، مساجد ذکر شده از این‌دست در این اثر فراوان به چشم می‌خورد. از این جهت شاید بتوان گفت که ابن جبیر به مساجد بیش از مدارس توجه داشته است. در این زمینه می‌توان به ذکر ۲۷ مسجد حجاز در این سفرنامه اشاره کرد. ابن جبیر در ذکر نهادهای آموزشی در مکه می‌توانست دست‌کم از سه مدرسه ارسوفیه (تأسیس: ۵۷۱ق)^۲، زنجبیلی (تأسیس: ۵۷۹ق)^۳ و طاب‌الزمان حبشیه (تأسیس: ۵۸۰ق)^۴ و در مدینه نیز از مدرسه ساخته شده برای اسدالدین شیرکوه و برادرش نجم‌الدین ایوب^۵ یاد کند. افزون‌برآن، ابن جبیر از ۱۷ مدرسه در جزیره که امکان ذکر آن در سفرنامه وجود داشته، نام هیچ یک را ذکر نکرده و به ذکر اجمالی آن‌ها بسنده کرده است.^۶



۱. نک: همان، ۱۹۳-۱۹۵.

۲. محمد بن احمد فاسی، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق)، ۲۸۱/۱، ۴۰۹/۴، ۶۸/۵؛ همو، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ترجمه محمد مقدس (تهران: معشر، ۱۳۸۶ش)، ۵۸۰-۵۷۹/۱.

۳. همو، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، ۲۸۰/۱.

۴. همان.

۵. محمد بن سالم ابن‌واصل، تاریخ ایوبیان (مفترج الکرؤوب فی اخبار بنی ایوب)، ترجمه پرویز اتابکی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش)، ۲۸۸-۲۸۷/۱.

۶. نک: جداول ۱ و ۲، ذیل جزیره.

مجموع نهادها به تفکیک نهادها	سیسیل	عراق	مصر	جزیره	حجاز	شام	
۷۳	-	۶	۹	۱۲	۲۷	۱۹	مساجد
۵	-	۱	۲	-	-	۲	مدارس
۱۱	-	۱	۳	۳	-	۴	بیمارستانها
۲	-	-	-	-	-	۲	خانقاهها
۹۱	-	۸	۱۴	۱۵	۲۷	۲۷	مجموع نهادها به تفکیک مناطق

۱- جدول فراوانی نهادهای آموزشی

که نام آن‌ها به طور مشخص در سفرنامه ابن جبیر ذکر شده است.

مجموع به تفکیک نهادها	حجاز	سیسیل	جزیره	مصر	عراق	شام	
۳۳	-	دست کم ۴	۳	۱۸	۷	۱	مساجد
۹۱	-	-	۱۷	۷	۲۷	۴۰	مدارس
۱	-	۱	-	-	-	-	بیمارستانها
۹	-	-	۱	-	-	۸	خانقاهها
۱۳۴	-	۵	۲۱	۲۵	۳۴	۴۹	مجموع نهادها به تفکیک مناطق

۲- جدول فراوانی آن دسته از نهادهای آموزشی که از آن‌ها به طور کلی در سفرنامه ابن جبیر یاد شده

و نام آن‌ها از منابع دیگر استخراج شده‌اند.

۶- نهادهای مهم مغفول در سفرنامه

با وجود علاقه ابن جبیر به سخن گفتن درباره نهادهای آموزشی، برخی از آن‌ها با هر انگیزه یا علت از دیده او دور افتاده‌اند. به‌عنوان نمونه، ابن جبیر در گذر از شهر کوفه به مدرسه خواری (تاسیس: ۴۶۷ق)^۱ اشاره نکرده است. به‌علاوه، چنان‌که گفته شد، مدارس مکه و مدینه نیز احتمالاً به دلیل اهمیت کمتر آن‌ها در برابر مساجد آن دو شهر از قلم افتاده است.

در سخن از نهادهای آموزشی مغفول از دیده ابن جبیر، پیش از همه، باید از دو جامع مهم ازهر و حاکم یاد کرد. با اینکه قطعاً این دو در زمره همان چهار مسجد جامع استوار و زیبایی بودند که ابن جبیر به هنگام ورود به قاهره از آن‌ها یاد کرده^۲، حتی چند سطری را هم به توصیف آن‌ها اختصاص نداده است. در این میان، شاید کم‌لطفی ابن جبیر به جامع ازهر به واژگونی سلسله فاطمی بازگردد. در زمان دیدار او از مصر، واژگونی این سلسله ضربه مهلکی به شهرت و فعالیت‌های علمی و آموزشی این مسجد بزرگ زد و این جامع با روی کار آمدن دولت ایوبی در دایره سوءظن قرار گرفت.^۳ به‌موجب اصول فقه شافعی که صلاح‌الدین آن را رسمیت بخشید، برگزاری نماز جمعه در چند مسجد مختلف یک شهر مجاز نبود^۴ و از همین رو، از زمان سلطنت وی تا زمان بیبرس، ایراد خطبه در این جامع متوقف شد و به‌جای آن، نماز جمعه در این مدت در مسجد حاکم برگزار می‌شد.^۵ شاید بتوان اقامه چنین استدلالی را برای بی‌توجهی ابن جبیر به جامع ازهر پذیرفت، ولی از آنجا که جامع حاکم نیز از لطف سیاح ما برخوردار نشده، گویا سبب دیگری در این موضوع دخیل بوده است و با توجه به انتساب مساجد مذکور به فاطمیان، شاید بتوان از فرضیه پیوند این موضوع با انگیزه‌های مذهبی وی نیز سخن به میان آورد.

با وجود اغراق در شمار نهادهای آموزشی برخی از مناطق مانند آنچه درباره شمار مساجد و مدارس اسکندریه در سفرنامه دیده می‌شود^۶، ابن جبیر در مواردی از جمله مدارس موصل آمار کمتری از نهادهای

۱. معروف، علماء النظمیات و مدارس المشرق الإسلامی، ۱۴۷.

۲. ابن جبیر، رحلة، ۲۴.

۳. محمد شجاع‌الدینی، «هزار سال آموزش عالی در الأزهر»، آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی، به اهتمام امیرحسین چیت‌سازان (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸ش)، ۱۶۰.

۴. محمد بن ادریس شافعی، الأم (مکتبة الکلیات الأزهریة، ۱۳۸۱ق)، ۲۲۱/۱.

۵. احمد بن علی مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار (قاهره: مکتبة مدبولی، ۱۹۹۸)، ۲۱۸/۳-۲۱۹. در این دوره هنوز برخی کلاس‌های خصوصی در ازهر تشکیل می‌شد. شخصی به نام عبداللطیف صبحگاه به مدت چهار ساعت در آن جا تدریس می‌کرد. مباحث وی احتمالاً حدیث و فقه بوده است. او عصرها نیز دوباره از خانه خود به ازهر برای ملاقات شمار دیگری از طلاب بازمی‌گشت. صلاح‌الدین سی دینار برای او تعیین کرده بود. پس از صلاح‌الدین، پسران او که بر این مقدار افزوده بودند، صد دینار به او می‌پرداختند (بایارد داج، دانشگاه الأزهر، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ش)، ۳۳).

۶. ابن جبیر، رحلة، ۱۷.

آموزشی ارائه کرده است. پس از آنکه خواجه نظام‌الملک با ساخت نظامیه موصل، سنگ بنای نخستین مدرسه را در موصل نهاد، اتابکان نیز به تأسی از وی به تأسیس مدارس در این شهر پرداختند. اگرچه ابن-جبیر به وجود حدود شش مدرسه یا بیشتر بر ساحل دجله در موصل اشاره کرده^۱، گویا شمار مدارس موصل در زمان دیدار ابن‌جبیر، دست‌کم ۱۲ مدرسه بوده است.^۲

نتیجه

ابن‌جبیر در رحله خود اطلاعات فراوانی از نهادهای مختلف آموزشی به‌دست داده که برای محققان تاریخ آموزش در جهان اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. او گاه به‌طور مشخص نام نهاد آموزشی را ذکر کرده و گاه به‌طور کلی از نهادهای آموزشی یک شهر یا ناحیه سخن به میان آورده است. اگر شمارش نهادهای آموزشی با اسم و رسم خاص را ملاک قرار دهیم، بیشترین نهادهای آموزشی یادشده در این سفرنامه به ترتیب در شام، حجاز، جزیره، مصر، عراق و سیسیل قرار داشته‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که وضع فرهنگی برخی از این مناطق مانند شام، عراق و مصر قابل مقایسه با شرایط برخی دیگر چون سیسیل نیست و همچنین از آن‌جا که وضع عمومی علمی - آموزشی عراق، شام و مصر در نیمه دوم سده ۶ ق در نظر صاحب‌نظران تاریخ آموزش در جهان اسلام چندان تفاوت محسوسی نداشته، فراوانی نهادها در این سفرنامه، علاوه بر حکایت از برجستگی نسبی فرهنگی و آموزشی برخی از این مناطق، شاید بتواند نشانگر علاقه و توجه بیشتر ابن‌جبیر به برخی از مناطق نسبت به دیگر نواحی نسبتاً همپایه باشد. همچنین گویا ابن‌جبیر به مساجد بیش از مدارس توجه داشته است.

با این‌که ابن‌جبیر اشارات فراوانی به نهادهای آموزشی دارد، در موارد متعددی نسبت به فعالیت‌های آموزشی این مراکز بی‌توجه بوده و بیشتر به توصیف عناصر معماری و زیبایی‌شناختی ساختمان این نهادها پرداخته است. افزون بر آن، او در مواردی به مسائل مالی و رفاهی و نحوه تأمین هزینه و کمیت این نهادهای آموزشی، تعلق آن‌ها به مذهبی خاص و برخی از شیوه‌های آموزشی خاص در این مراکز نیز توجه کرده است.

ابن‌جبیر در سفرنامه خود از برخی از نهادهای آموزشی مانند مدرسه رأس‌العین و دو مدرسه نصیبین یاد کرده که تا زمان وی، هیچ منبعی به آن‌ها اشاره نکرده است. توصیفات مفصل او از برخی از نهادهای آموزشی چون مسجدالحرام و مسجد اموی دمشق نیز از ارزش بالایی برخوردار است و در تحقیقات

۱. همان، ۲۱۱.

۲. نک: سعید دیوه‌جی، دور العلم فی الموصل (بیروت: الدار العربیة للموسوعات، ۱۴۳۴ق)، ۱۶-۴۷؛ معروف، علماء النظامیات و مدارس المشرق الإسلامی، ۱۴۸-۱۸۲؛ جمیلی، رشید، دولة الاتابکة فی الموصل بعد عمادالدین زنکی (بیروت: دارالنهضة العربیة، بی‌تا)، ۳۱۳-۳۱۹.

تاریخی به‌عنوان منبع دست اول مورد استفاده قرار می‌گیرد. علی‌رغم دقت ابن جبیر در شمارش و توصیف نهادهای آموزشی، برخی از آن‌ها مانند دو جامع ازهر و حاکم، با این‌که در زمره چهار مسجد جامع قاهره در نیمه دوم سده ۶ ق بوده‌اند، مورد غفلت یا تغافل قرار گرفته‌اند. چنین می‌نماید که بی‌توجهی مؤلف ما به این دو جامع بزرگ اگر تحت تأثیر رکود علمی آن‌ها ناشی از زوال سلسله فاطمیان نباشد، با توجه به انتساب مساجد مذکور به این سلسله، شاید از انگیزه‌های مذهبی ابن جبیر برخاسته باشد.

فهرست منابع:

- ابن الأبار، محمد بن ابی بکر. التكملة لكتاب الصلوة. به تصحيح عبدالسلام الهراس. بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. رحلة. بيروت: دار صادر و دار بيروت، ۱۳۸۴ق.
- ابن جبیر، محمد بن احمد. رحلة. بيروت: دار صادر، ۱۳۸۴ق.
- ابن جبیر، محمد بن احمد. سفرنامه ابن جبیر. ترجمه پرویز اتابکی. مشهد: به نشر، ۱۳۷۰ش.
- ابن خطیب، لسان‌الدین. الإحاطة فی أخبار غرناطة. بيروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. مقدمة. با تحقیق درویش الجویدی. صیدا و بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۶ق.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. وفيات الاعیان و أبناء ابناء الزمان. بيروت: دارصادر، ۱۹۰۰.
- ابن العديم، ابوالقاسم عمر بن احمد. بغية الطلب فی تاریخ حلب. با تحقیق و تقدیم سهیل زکار. بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب. بیروت: المكتب التجاری، بی‌تا.
- ابن واصل، محمد بن سالم. تاریخ ایوبیان (مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب). با تصحیح جمال‌الدین الشیال، ترجمه پرویز اتابکی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- جمیلی، رشید. دولة الاتابکة فی الموصل بعد عمادالدین زنکی. بیروت: دارالنهضة العربية، بی‌تا.
- داج، بایارد. دانشگاه الأزهر. ترجمه آذرمدخت مشایخ فریدنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ش.
- دیوهجی، سعید. دور العلم فی الموصل. بیروت: الدار العربية للموسوعات، ۱۴۳۴ق.
- سبکی، تقی‌الدین. طبقات الشافعية الكبرى. بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۲۴ق.
- شافعی، محمد بن ادريس. الأم. به تصحیح محمد زهری النجار. مكتبة الكليات الازهرية، ۱۳۸۱ق.
- شجاع‌الدینی، محمد. «هزار سال آموزش عالی در الأزهر». آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی، به کوشش امیرحسین چیت‌سازان، ۱۵۱-۲۲۱. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸ش.
- شلی، احمد. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷ش.
- عاشور، سعید عبدالفتاح. مصر و الشام فی عصر الايوبيين و المماليك. بيروت: دارالنهضة العربية، بی‌تا.
- عیسی‌بک، احمد. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام. ترجمه نورالله کسای. تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش در

- ایران، ۱۳۷۱ش.
- غنیمه، عبدالرحیم. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه نورالله کسای. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.
- فاسی، محمد بن احمد. شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام. ترجمه محمد مقدس. تهران: معشر، ۱۳۸۶ش.
- فارسی، محمد بن احمد. العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین. با تحقیق و تعلیق محمد عبدالقادر احمد عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- قرشی، محمد بن محمد بن احمد. معالم القربة فی احکام الحسبة. با تحقیق شعبان، محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی المطیعی. قم: مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- کسای، نورالله. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴ش.
- کیانی، محسن. تاریخ خانقاه در ایران. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۹ش.
- معروف، ناجی. علماء النظامیات و مدارس المشرق الإسلامی. بغداد: مطبعة الإرشاد، ۱۳۹۳ق.
- مقریزی، احمد بن علی. المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار. با تحقیق محمد زینهم و مديحه الشرقاوی. قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۸.
- مقری، احمد بن محمد. نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب. با تحقیق و تصحیح یوسف بقاعی. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ق.
- منذری، ابو محمد. التکملة لوفیات النقلة. با تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف. نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۱ق.
- نخستین، مهدی. تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب. ترجمه عبدالله ظهیری. مشهد: به‌نشر، ۱۳۶۷ش.
- نصر، حسین. علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله. معجم البلدان. بیروت: دار صادر، ۲۰۱۰.